

ارائه مدل سازگاری فرهنگی قوم لر در دهه پایانی قرن چهاردهم (صفحات ۱۴۹ تا ۱۶۶)

احد سوری^۱ * سوسن علایی^۲ * جعفر رحمانی^۳

پدیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۹

دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۴

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی و ارائه الگوی سازگاری فرهنگی اقوام ایرلندی در دهه پایانی قرن چهاردهم خورشیدی پرداخته است. این تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، تلفیقی از نوع روش‌های کیفی و کمی می‌باشد. در مرحله اول از روش کیفی داده‌بنیاد بر اساس نظریه گلیسر استفاده شده است. برای ارائه الگوی مفهومی سازگاری فرهنگی قوم لر، بر اساس مضامین عمیق با خبرگان، الگوی مفهومی به‌دست‌آمده در پنج طبقه اصلی با مقوله‌های محوری (سازگاری فرهنگی اقوام ایرانی) شامل هویت قومی، بینش و شناخت، جامعه‌پذیری و مدیریت فرهنگی؛ عوامل تقویت‌کننده شامل اشتراکات الگویی، عوامل محیطی، رسانه‌های اجتماعی و مشارکت اجتماعی؛ عوامل شکل‌دهنده شامل همگرایی قومی، آموزش، خط‌مشی‌گذاری دولتی، توسعه اجتماعی و لی‌دئولوژی؛ موانع شکل‌گیری شامل سوء مدیریت، سیاسی‌گرایی، واگرایی فرهنگی و پیامدها شامل امنیت پلی‌دار و انسجام ملی می‌باشد. در مرحله دوم تحقیق، بر اساس روش کمی حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران برآورد شد و با استفاده از ابزار تحقیق محقق‌ساخته و تأیید روایی آن توسط اعضای گروه دلفی تأیید و پلی‌داری آن با معیار پی‌اس‌کات ۰/۹۵ و گردآوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل آماری داده‌های پژوهش در دو سطح توصیفی با استفاده از شاخص‌های آماری (نظیر فراوانی، درصد و میانگین) و سطح استنباطی تحلیل عاملی تأییدی، با استفاده از Spss 22 و Lisrel 8.54 و Excel معناداری ضرایب و پارامترهای به‌دست‌آمده ابعاد عوامل محوری (سازگاری فرهنگی اقوام ایرانی)، عوامل تقویت‌کننده، عوامل شکل‌دهنده، موانع شکل‌گیری و پیامدها نشان داد که تمامی ضرایب به‌دست‌آمده، معنادار می‌باشند. یافته‌های حاصل از تحلیل ابعاد بیانگر آن می‌باشد که از بین ابعاد مدل سازگاری فرهنگی قوم ایرانی لر، بعد موانع شکل‌گیری با میانگین (۰/۹۴) بیشترین و بعد عوامل تقویت‌کننده با میانگین (۰/۶۳) کمترین تأثیر را در سازگاری فرهنگی اقوام ایرانی لر دارند.

واژگان کلیدی: فرهنگ، سازگاری فرهنگی، اقوام ایرانی، نظریه داده‌بنیاد.

۱. دانشجوی دکتری مدیریت فرهنگی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. ahad_s@yahoo.com

۲. استادیار گروه مدیریت فرهنگی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) s_alaei@iau-tnb.ac.ir

۳. دانشیار گروه مدیریت و برنامه ریزی فرهنگی، دانشگاه جامعه‌المصطفی، تهران، ایران. dr_rahmani20@yahoo.com

۱- بیان مسئله

ایران اسلامی جزو کشورهایی است که از اقوام گوناگون در ترکیب جمعیتی خود برخوردار است. هویت ملی، وحدت ملی، همگرایی و واگرایی بین اقوام از موضوعات مهمی هستند که حکومت‌ها در کشورهای کثیرالاقوام با آن مواجهند. هرچند این اقوام در طول تاریخ در نضج و شکوفایی تمدن ایرانی سهم بوده‌اند و در مقاطع تاریخی از کیان مملکت و غایت آن دفاع کرده‌اند. کشور ایران دارای گویش‌های مختلف، فرهنگ‌های قومی، خرده‌فرهنگ‌ها، قبایل، عشایر، طوایف و نژادهای مختلفی هستند. بسیاری نیز بر این باورند که سطح هویت جمعی در جامعه ایران بسیار نازل می‌باشد و هویت جمعی در سطح کشور بسیار ضعیف است، به نحوی که افراد پایبند ارزش‌ها و هنجارهای خاص گرایانه فAMILI و قومی خود هستند و در زندگی و فعالیت‌های روزمره مصالح و منافع فAMILI و قومی خود را بر مصالح و منافع عام در سطح جامعه از جمله مصالح و منافع ملی، ترجیح می‌دهند و این همه نشان‌دهنده ضعف جدی هویت ملی در ایران می‌باشد. همچنین ثابت شده است که میزان وفاق اجتماعی در ارتباط جدی با مسئله اقوام بوده است. امروز مردم‌شناسان قوم لر را از اقوام ایرانی به شمار می‌آورند. زبان، آئین‌ها و هنجارهای فرهنگی-اجتماعی این قوم نشان می‌دهند که قطعاً آنان یکی از اقوام ایرانی‌اند. خاص‌گرایی در جمهوری اسلامی ایران و در میان قوم لر، گونه جدیدی از هویت‌یابی است که در حوزه‌های مختلف دینی، زبانی، قومی و قبیله‌ای می‌تواند گسترش یابد (عامری گلستانی، ۱۳۹۸: ۱۷۳).

سازگاری فرهنگی یک رویکرد در مدیریت تأثیرات تنوع فرهنگی و شامل فرایندی است که بر الگوهای فرهنگی اقوام و اعضای خرده‌فرهنگ‌ها تکیه می‌کند. بر اساس این رویکرد، تنها یک راه ثابت و همیشگی به عنوان بهترین راه ممکن برای ایجاد سازگاری وجود ندارد، بلکه با توجه به تعدد اقوام و فرهنگ‌ها و وجود تفاوت‌های فرهنگی، لازم است که ابتدا نسبت به شناخت تمام ویژگی‌های هر قوم اقدام و بر اساس آن مؤثرترین راهکار ممکن را ارائه نمود؛ در این صورت افراد ضمن آگاهی از ویژگی‌های فرهنگی همدیگر و احترام گذاشتن به آن‌ها می‌توانند سازگاری مطلوب‌تری را در صورت مواجهه با اعضای دیگر فرهنگ‌ها داشته باشند (اردلان، ۱۳۹۵). امروزه اهمیت و توجه به مفاهیم فرهنگی در تمامی حوزه‌ها به ویژه در حوزه ملت‌ها و قومیت‌ها به قدری گسترش یافته

که سازگاری فرهنگی به عنوان کلیدی‌ترین مؤلفه فرهنگ در عرصه ملت‌ها به شمار می‌آید.

در روزگار کنونی، بیش از هر زمان دیگر، اهمیت تنوع فرهنگی و لزوم مدیریت آن مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است، زیرا بسیاری از هزینه‌های امنیتی و اقتصادی کشورهاییکه از تنوع فرهنگی برخوردارند، ناشی از تنش‌های بین قومی و عدم سازگاری مناسب بین اقوام در این کشورهاست. لذا انجام این‌گونه تحقیقات می‌تواند بسیاری از این هزینه‌ها را از دوش کشورها برداشته و تبعات منفی اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و امنیتی را بکاهد. این تحقیق از دو جنبه نظری و کاربردی دارای اهمیت است، در یک بعد که شناخت موضوع سازگاری فرهنگی در میان یکی از اقوام است و تا کنون تحقیقی در این زمینه انجام نشده، از این رو، می‌توان گفت که تحقیق حاضر از نوع بنیادی است که موجب بسط و گسترش علم می‌شود؛ از سوی دیگر، پژوهش پیش رو، تحقیقی کاربردی است که می‌توان با شناخت مؤلفه‌ها و عناصر مؤثر در سازگاری فرهنگی از نتایج آن به صورت عملی در مدیریت و سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های فرهنگی در سطوح مختلف ملی و محلی بهره برد.

با توجه به آنچه گفته شد، پژوهش حاضر در پی آن است تا مدلی جهت سازگاری فرهنگی اقوام ایرانی در دهه پایانی قرن چهاردهم با تمرکز بر قوم لر طراحی و ارائه کند. بنابراین، پرسش‌های اصلی و فرعی تحقیق، عبارتند از:

سوال اصلی:

الگوی سازگاری فرهنگی اقوام ایرانی در دهه پایانی قرن چهاردهم خورشیدی برای قوم لر کدام است؟

سوالات فرعی:

- ۱- الگوی سازگاری فرهنگی قوم لر دارای چه ابعاد و مشخصه‌هایی است؟
- ۲- عوامل شکل‌دهنده الگوی سازگاری فرهنگی قوم لر چه هستند؟
- ۳- مشخصه‌های الگوی سازگاری فرهنگی قوم لر کدامند؟
- ۴- عوامل تقویت‌کننده الگوی سازگاری فرهنگی قوم لر کدامند؟
- ۵- موانع شکل‌گیری الگوی سازگاری فرهنگی قوم لر کدامند؟
- ۶- پیامدهای الگوی سازگاری فرهنگی قوم لر کدامند؟

۲. ادبیات پژوهش

سازگاری فرهنگی

فرهنگ فارسی معین واژه «فرهنگ» را مرکب از دو واژه «فر» و «هنگ» به معنای ادب، تربیت، دانش، علم، معرفت و آداب و رسوم تعریف کرده است. واژه فرهنگ در پهلوی ساسانی به صورت «فره هنگ» آمده است که از دو جزء «فره» به معنای پیش و فرا؛ و «هنگ» به معنای کشیدن و راندن، ساخته شده است. در نتیجه «فرهنگ» به معنای پیش کشیدن و فرا کشیدن است. به همین سبب است که فارسی‌زبانان فرهنگ را سبب پیشرفت می‌دانند. با مطالعه متن‌های باستانی ایران، درمی‌یابیم که واژه «فرهنگ» از دوره پارسی میانه وارد فرهنگ ایران شده و پیش از آن کلمه‌ای که به معنای فرهنگ باشد، در این زبان وجود نداشته است. در این دوره در متن‌های پهلوی ساسانی، متن‌های سعدی، مانوی و حتی ختنی کلمه فرهنگ را می‌توان بازشناخت. در متن‌های پارسی میانه، همانند «خسرو و ریدگ»، «خویشکاری ریدگان» و «کارنامه اردشیر بابکان» کلمه فرهنگ به کار رفته است؛ همچنین در شاهنامه فردوسی، آثار سعدی و متون دوره‌های بعد نیز بارها به این واژه برمی‌خوریم. در آثار این دوران، فرهنگ علاوه بر دانش، شامل هنرهایی چون نقاشی و موسیقی یا سوارکاری و تیراندازی هم می‌شد. در گذشته اعتقاد فارسی‌زبانان بر این بود که آدمی بدون فرهنگ نمی‌تواند قدمی مثبت در زندگی بردارد. از همین رو است که فردوسی فرهنگ را برتر از گوهر و نژاد می‌داند (صداقت نژاد، ۱۳۹۴: ۷).

سازگاری (در مفهوم فرهنگ‌پذیری و رضایت‌مندی) بدان معنا است که هر فردی می‌باید خود را با خواسته‌ها و نیازهای جسمانی و نیز خواسته‌ها و نیازهای اجتماعی و روان‌شناختی تطبیق دهد که از زندگی با دیگران نشئت گرفته است. در روان‌شناسی سازگاری فرایندی کم‌ویش آگاهانه است که بر پایه آن موجودی با محیط طبیعی، اجتماعی و یا فرهنگی انطباق می‌یابد. این انطباق مستلزم آن است که تغییراتی در رفتار شخص پدید آورد تا به توافق و ایجاد روابطی هماهنگ با آن محیط نائل شود. در جامعه‌شناسی این اصطلاح تا حدودی مبهم و دویپهلو است. سازگاری اجتماعی می‌تواند به فرایندی اطلاق شود که بر پایه آن روابط اجتماعی هماهنگی می‌یابند و از آن حیات گروهی منتفع می‌شوند (کاوسی، ۱۳۹۶: ۱۰۷). سازگاری و هماهنگی شدن با خود و با محیط پیرامون خود برای هر موجود زنده یک ضرورت حیاتی است. تلاش روزمره همه

آدمیان نیز عموماً بر محور همین سازگاری دور می‌زند. هر انسانی، هوشیارانه یا ناهوشیارانه می‌کوشد نیازهای متنوع، متغیر و گاه متعارض خود را در محیطی که در آن زندگی می‌کند، برآورده سازد. این نیازهای فطری^۱ و اکتسابی به مثابه نیرویی پرفشار آدمی را بر می‌انگیزانند و در جهت تأمین نیازها و بازیابی تعادل و آرامش بر هم خورده به حرکت در می‌آورند. سازگاری فرهنگی، توانایی انطباق و کنار آمدن فرد با فرهنگی دیگر است، البته این مفهوم به معنای پذیرفتن کامل آن فرهنگ نمی‌باشد (سید امامی، ۱۳۹۵: ۵۴).

سازگاری فرهنگی یک پیامد روان‌شناسی است که با انطباق‌پذیری فرد در ارتباط است. انطباق‌پذیری به معنی درجه احساس راحتی فرد در نقش جدید خود و مرتبه‌ای است که شخص با نیازمندی‌های نقش خود احساس سازگاری می‌کند (بلک، ۱۹۸۸: ۲۸۹). مدل سازگاری فرهنگی بلک مدل پذیرفته شده‌ای است که مبنای بسیاری از مطالعات گذشته در این حوزه است (پالسه، ۲۰۰۴). این مدل شامل سه بعد سازگاری عمومی، سازگاری متقابل و سازگاری کاری است.

۱- سازگاری عمومی عواملی را در بر می‌گیرد که بر زندگی روزانه شخصی که با فرهنگ جدید مواجه می‌شود، اثرگذار است. این عوامل شامل مواردی از جمله: خوراک، بهداشت، رانندگی، شرایط اسکان، خرید و دیگر موضوعات زندگی است.

۲- سازگاری متقابل دربرگیرنده میزان راحتی است که فرد در تعامل با افراد بومی در محیط‌های کاری یا غیر کاری احساس می‌کند. رسیدن به این نوع سازگاری از بقیه موارد دشوارتر است، زیرا که هر فرهنگی در سنت‌ها، هنجارهای فرهنگی، رفتارها و انتظارات خود با سایر فرهنگ‌ها متفاوت است.

۳- سازگاری کاری به عنوان میزانی که افراد می‌توانند با نقش کاری، وظایف شغلی و محیط کاری خویش سازگاری پیدا کنند، تعریف می‌شود.

- قومیت

قومیت معادل «ethnicity» برگرفته از ریشه یونانی و آن نیز صفت واژه یونانی «ethnos» است و به گروهی اشاره دارد که با ویژگی‌های بنیادی از قبیل زبان، آداب و

1- Innate

رسوم و میراث تاریخی، از سایر گروه‌های اجتماعی که دارای پیوستگی و همبستگی نژادی هستند، متمایزند. از قومیت‌ها به عنوان اقلیت‌ها و گاهی در عبارتی به عنوان خرده‌فرهنگ عمومی جامعه یاد می‌کنند. قومیت راهی برای تقویت‌یابی جمعی است که مفهوم «ما» و «آن‌ها» را شکل بخشیده و دارای ساختی اجتماعی همراه با اشاره به فرهنگ است. به این دلیل دسته‌بندی «فرقه‌ای»، «محلی»، «ملی» و «نژادی» را می‌توان همچون ساخت‌های اجتماعی و محیطی خاص مبتنی بر درون‌مایه بنیادین قومیت فرض کرد که همه مؤلفه‌های هویت قومی را تشکیل می‌دهند. یک تعریف کارآمد کوتاه از قوم عبارت است از: «یک جمعیت انسانی مشخص با افسانه اجدادی مشترک، خاطرات مشترک، عناصر فرهنگی پیوند با یک سرزمین تاریخی یا وطن و میزانی از حس منافع و مسئولیت» (صالحی امیری، ۱۳۸۹: ۳۰). گروه قومی نیز اجتماع کوچکی از انسان‌ها در درون جامعه بزرگ‌تر است که به صورت واقعی یا احساسی و ادراکی دارای اصل و نسب مشترک، خاطرات مشترک، گذشته تاریخی - فرهنگی مشترک هستند؛ همچنین، دارای یک عنصر سمبلیک نظیر خویشاوندی، مذهب، زبان، سرزمین و خصوصیات ظاهری و فیزیکی مشترک که هویت گروهی آنان را از گروه‌های دیگر متمایز می‌سازد و اعضای آن به تعلقات گروهی - قومی خویش آگاهی دارند (همان: ۳۹).

- تنوع قومیتی

تنوع قومی یک پدیده فراگیر و جهان‌شمول است و هر کشوری از یک سو بر اساس اهداف و رویکردهای نظام سیاسی و از سوی دیگر بنا بر مدل تنوع قومی موجود در جامعه، به طراحی سیاست برای مدیریت تنوع قومی اقدام کرده است. یکی از ویژگی‌های خاص سرزمین ایران تنوع قومی است که کمتر کشوری در دنیا در این گستره سرزمینی دارای چنین تنوع قومیتی است. در ایران جمعیتی متکثر با قومیت‌ها، زبان‌ها، ادیان، مذاهب و فرهنگ‌های گوناگون و با ملیتی یگانه، مسالمت‌آمیز در کنار هم زندگی می‌کنند و خود را بخشی از تمامیتی یکپارچه به نام ایران دانسته و به آن افتخار می‌کنند. در سال ۱۴۵۰ هجری شمسی، مردم ایران در عین تنوع قومی و تفاوت‌های فرهنگی، از احساس امنیت، آزادی، کرامت، آرامش، آسایش، سلامت و امید به زندگی در تراز والای جهانی برخوردارند. یزدان‌پناه ادامه داد: اما بدیهی است که تنوع قومی در ایران در مقام اجرا و تحقق، الزاماتی دارد و حقوقی را می‌طلبد که باید برای تأمین عدالت

و حقوق برابر شهروندان به آنها توجه و برای آنها راه حل ارائه شود. وظیفه دولت مردان، بررسی و یافتن مناسب ترین راه حلی است که بتواند در عین احترام به مظاهر و شاخص های هویت قومی تباری ایرانی ها، بهترین شرایط را برای رشد و شکوفایی آنها، به انسانی ترین و معقولانه ترین وجه، فراهم آورد. بی گمان، این از وظایف حکومت برای رشد و نقش اقوام در سرنوشت خویش است. رهبر معظم انقلاب برگرفته از آموزه های دینی، اصل تنوع را پذیرفته و آن را فرصتی برای نظام محسوب و جزئی از هویت ملی معرفی می کند: «معمولاً در کشورهای مختلف تعدد اقوام و قومیت ها یکی از نگرانی های آنهاست؛ در کشور ما به عکس است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۰/۲/۱۴). «تنوع اقوام را ما برای کشورمان یک فرصت به حساب می آوریم، این یک حقیقت است. حقیقتاً برای ما تنوع اقوام یک فرصت است» (همو، ۱۳۸۸/۲/۲۴). «سنت های مختلف، آداب و عادات مختلف و استعداد های گوناگون و متنوع، یک فرصت است که اجزاء گوناگون این ملت بتوانند یکدیگر را تکمیل کنند. با مرادوات درست و با همزیستی و اتحاد کامل. برای ملت ما این یک افتخار است که چنین نگاهی به مسئله تنوع اقوام دارد. علت هم این است که اسلام منبع الهام این نظام است و در این نگاه اسلامی، بین نژادهای مختلف و زبان های مختلف ولو از ملت های گوناگون تفاوتی نیست. چه برسد به اقوام مختلف در میان یک ملت. نگاه اسلام این است و نگاه نظام اسلامی هم این است (همو، ۱۳۸۸/۲/۲۲).

- قوم لر

قوم لر همانند سایر اقوام از ویژگی های خاص و منحصر به فردی برخوردار است که مرزهای آن را با سایر اقوام متمایز می سازد؛ بنابراین، خصوصیات اجتماعی، تاریخی، فرهنگی و عوامل ذهنی عناصر هویت گفتمانی قوم لر را تشکیل می دهند. یکی از اصیل ترین قبایل و طوایف ایرانی هستند که گویش لری دارند و به لحاظ اقلیمی به سه دسته لرهای کوچک، ممسنی و بزرگ تقسیم بندی می شوند. لرها عموماً در نواحی غرب و جنوب غربی ایران سکنی گزیده اند و متمایز از بختیاری ها هستند. طبق لوح ها و کتیبه های تاریخی به دست آمده فعالیت های صنعتی قوم لر به بیش از ۴۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح بر می گردد و این شامل مفرغ کاری و فلز کاری بوده است. پس از حمله اعراب به ایران لرها همچنان آداب و سنت خود را حفظ کردند و در دوره صفویه کشور

دارای دو ایالت متعلق به لرها یعنی لرستان و کهگیلویه و بویراحمد بود. قوم لر به طور خاص در نواحی زاگرس سکنی گزیده‌اند که البته به صورت پراکنده در شهرها و کلان‌شهرهای ایران نیز گسترده شده‌اند. آمار دقیقی از جمعیت قوم لر در دست نیست، اما در یک نگاه کلی محدوده جغرافیایی لرها شامل قسمت وسیعی از جنوب غربی و جنوب ایران است که از نواحی بندر بوشهر و نیز «کوهمره سرخی» در جنوب غربی شیراز شروع و تا نواحی مرز ایران و عراق ادامه می‌یابد. به علاوه، قوم لر به دلیل آن که اشتراک زبانی قابل توجهی با فرهنگ و هویت ملی دارد، همواره در زمره گروه‌های قومی به شمار می‌رود که با حکومت‌ها و دولت‌های مرکزی شیوه زیست تعامل گونه‌ای را در پیش گرفته است. هرچند در برخی ادوار تاریخی نشانه‌های از شورش‌های قومی در نواحی لرنشین صورت گرفته است، اما باین حال، سبک کلی رفتارهای سیاسی و اجتماعی قومیت لر بر مبنای تعامل با دولت‌های مرکزی پیش می‌رود (عامری گلستانی، ۱۳۹۶: ۱۸۶).

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر به ارائه الگوی سازگاری فرهنگی اقوام ایرانی با محوریت قوم لر در دهه پایانی قرن چهاردهم خورشیدی به منظور تدوین مدل سازگاری فرهنگی قوم لر پرداخته است. این تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، تلفیقی از نوع روش‌های کیفی و کمی می‌باشد.

تحقیق حاضر از نظر نوع تحقیق، بنیادی توسعه‌ای است. پژوهش بنیادی، اگرچه می‌تواند کاربرد عملی نیز داشته باشد، ولی هدف اصلی و اساسی آن افزایش حیطه فهم و دانش است. به نظر نیومن (۲۰۰۰) پژوهش بنیادی منبع جدیدترین ایده‌های علمی و شیوه‌های اندیشیدن در مورد عالم است. اگرچه پژوهش تبیینی رایج‌ترین نوع پژوهش بنیادی است. جامعه علمی، مصرف‌کننده اصلی پژوهش‌های بنیادی است. پژوهشگران بنیادی بر استانداردهای بالای علمی تأکید دارند و سعی در انجام پژوهش تقریباً بی‌نقص دارند (دانایی فرد، ۱۳۸۹: ۷۲). در این پژوهش در مرحله تحقیق کیفی از روش کیفی داده‌بنیاد گلابسر استفاده شده است. روش داده‌بنیاد شیوه‌ای از پژوهش کیفی است که در آن، با استفاده از دسته‌ای از داده‌ها، نظریه‌ای تکوین می‌یابد (مهری، ۱۳۹۵: ۲۴). سه

عنصر مفاهیم، مقوله‌ها، طبقه‌ها ارکان اصلی این استراتژی هستند. در پی جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها، مفاهیم و از کنار هم قرار گرفتن چند مفهوم، مقوله شکل گرفته و در نهایت با بیان روابط تعمیم‌یافته بین مقوله و مفاهیم آن و بین مقوله‌های معین و سپس طبقه‌بندی روابط این عناصر در بستر و فرآیند آن پدیده مدل مفهومی تبیین‌کننده پدیده آشکار می‌شود (دانایی‌فرد، ۱۳۸۹: ۴۷). بدین منظور در مرحله اول، مؤلفه‌ها، ابعاد و شاخص‌های مؤثر در الگوی سازگاری فرهنگی اقوام ایرانی قوم لر در دهه پایانی قرن چهاردهم خورشیدی با استفاده از روش تحلیل محتوا (استقرایی) مورد بررسی قرار گرفته است و سپس در مرحله دوم، با استفاده از تکنیک دلفی تجزیه و تحلیل شدند. پاسخ سوال‌ها با تجزیه و تحلیل داده‌ها و تفسیر یافته‌های تحقیق، پاسخ داده می‌شوند. بدین منظور نتایج این بخش از تجزیه و تحلیل تحقیق، به صورت توصیفی (استفاده از نمودار و جداول فراوانی) و استنباطی ارائه شده است. تدوین فصل چهارم بر اساس ترتیب سوالات تحقیق صورت گرفته است، بدین صورت که ابتدا سوالات پژوهش مطرح شده است و آنگاه داده‌های جمع‌آوری شده مربوط به هر سوال به تفکیک ارائه گردیده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها برای بررسی درستی و صحت سوالات از اهمیت خاصی برخوردار است؛ بنابراین پس از معرفی روش تحقیق، لازم است با استفاده از روش‌های آماری یا ریاضی به آزمون فرضیه‌ها یا پاسخ به سوالات تحقیق پرداخته شود. برای انجام این پژوهش از نرم‌افزارهای spss22، Lisrel 8.54 استفاده شده است.

ارائه مدل سازگاری فرهنگی قوم لر در دهه پایانی قرن چهاردهم

جدول ۱- ابعاد و مؤلفه‌های سازگاری فرهنگی اقوام ایرانی قوم لر (منبع: محقق)

مؤلفه	ابعاد	ردیف
هویت قومی	عوامل محوری (سازگاری فرهنگی اقوام ایرانی)	۱
بینش و شناخت		۲
جامعه‌پذیری		۳
مدیریت فرهنگی		۴
اشتراکات الگویی	عوامل تقویت کننده	۵
عوامل محیطی		۶
رسانه‌های اجتماعی		۷
مشارکت اجتماعی		۸
همگرایی قومی	عوامل شکل دهنده	۹
آموزش		۱۰
خط‌مشی گذاری دولتی		۱۱
توسعه اجتماعی		۱۲
ایدئولوژی		۱۳
سوءمدیریت	موانع شکل گیری	۱۴
سیاسی گرایی		۱۵
واگرایی فرهنگی		۱۶
سنت‌گرایی قومی		۱۷
امنیت پایدار	پیامدها	۱۸
انسجام ملی		۱۹

۴. تحلیل تجربی

پژوهشگر پس از تعیین روش تحقیق و با استفاده از ابزارهای مناسب، داده‌های مورد نیاز را جمع‌آوری، سپس با بهره‌گیری از تکنیک‌های مناسب، داده‌های جمع‌آوری شده را دسته‌بندی و تجزیه و تحلیل کرده تا در نهایت، بتواند پاسخی برای سؤالات خود بیابد. در این فصل، تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، در قالب تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی ارائه می‌شود. رویه تحلیل داده‌ها در این مطالعه شامل کدگذاری باز، محوری و انتخابی

است. به این صورت به کمک روش‌شناسی نظریه داده‌بنیاد و تحلیل متون حاصل از مصاحبه‌های عمیق، نتایج کدگذاری باز، محوری و انتخابی تشریح شده و مدل مفهومی برای ارائه الگوی سازگاری فرهنگی اقوام ایرانی در دهه پایانی قرن چهاردهم خورشیدی توسعه داده می‌شود. در انتهای فصل نیز مقوله‌های به‌دست‌آمده از اسناد، توسط خبرگان و صاحب‌نظران اعتبارسنجی شده و نظریه نهایی تحقیق ارائه می‌شود.

۱-۴. یافته‌های تحقیق در بخش کیفی

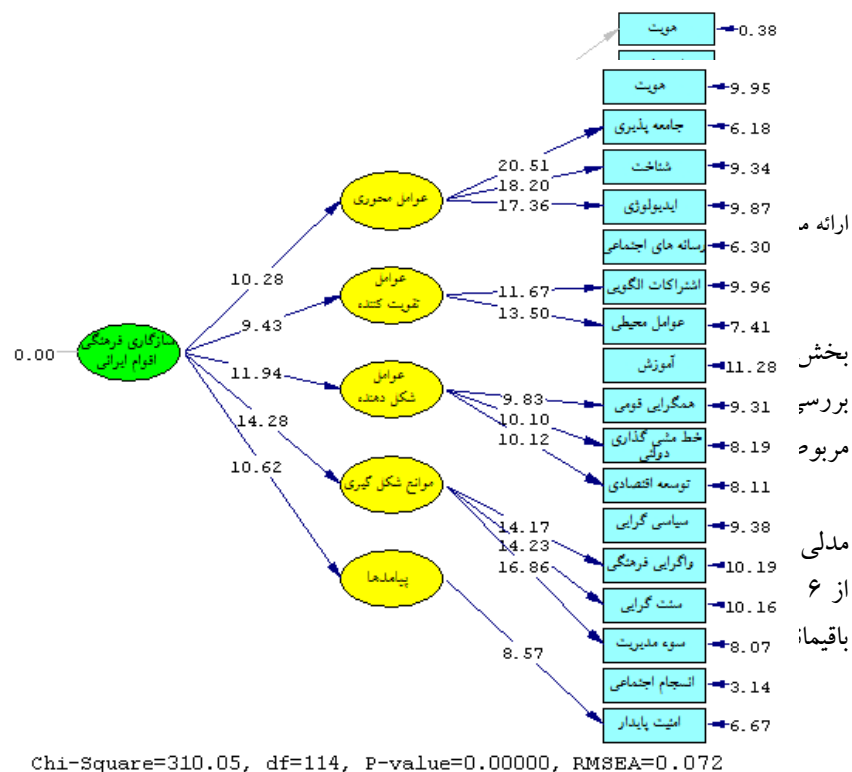
سوال اول: ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مدل سازگاری فرهنگی قوم لر در دهه پایانی قرن چهاردهم خورشیدی کدامند؟

پس از مطالعه منابع مکتوب و دیجیتال در دسترس و با تجزیه تحلیل مبانی نظری پژوهش و بررسی دیدگاه‌های دانشمندان و صاحب‌نظران پیرامون مؤلفه‌ها و شاخص‌های مدل سازگاری فرهنگی اقوام ایرانی، جمله‌ها و پاراگراف‌های مرتبط با سوال‌های تحقیق استخراج گردیدند و پس از کدگذاری و دسته‌بندی، مفاهیم و مقوله‌های اصلی استخراج گردید که نتایج آن در جدول ذیل آورده شده و در نهایت مدل سازگاری فرهنگی اقوام ایرانی در دهه پایانی قرن چهاردهم خورشیدی در پنج بعد اصلی شناسایی شدند.

سوال دوم: مدل سازگاری فرهنگی اقوام ایرانی در دهه پایانی قرن چهاردهم خورشیدی کدام است؟

تحلیل عاملی مدل سازگاری فرهنگی اقوام ایرانی

تحلیل عاملی سعی در شناسایی متغیرهای اساسی یا عامل‌ها به منظور تبیین الگوی بین متغیرهای مشاهده شده دارد و نقش بسیار مهمی در شناسایی متغیرهای مکنون یا همان عامل‌ها از طریق متغیرهای مشاهده شده دارد. معمولاً در تحقیقات به دلایل مختلف با حجم زیادی از متغیرها روبه‌رو هستیم. برای تحلیل دقیق‌تر داده‌ها و رسیدن به نتایج علمی‌تر و درعین‌حال عملیاتی‌تر، پژوهشگران به دنبال کاهش حجم متغیرها و تشکیل ساختار جدیدی برای آن‌ها هستند. بدین منظور از روش تحلیل عاملی استفاده می‌کنند. سازگاری فرهنگی اقوام ایرانی در دهه پایانی قرن چهاردهم خورشیدی با استفاده از مدل عاملی تأییدی، مورد بررسی قرار گرفت و بررسی‌ها نشان داد که تفاوت بارهای عاملی برای هر یک از مقیاس‌های فرعی دارای تفاوت معنادار با ارائه احتمالات (صفر) بودند.



نمودار ۲- الگوی سازگاری فرهنگی اقوام ایرانی در حالت معنی داری پارامتر

با توجه به نمودار (۱) می توان بارهای عاملی هر یک از متغیرهای تحقیق را مشاهده نمود.

- برای مثال متغیر «عوامل محوری» دارای بار عاملی (۰/۷۲) می باشد. به عبارت دیگر متغیر «عوامل محوری» تقریباً ۵۲ درصد (۰/۷۲) را به توان ۲ می رسانیم) از واریانس عامل «اقتصاد رسانه» را تبیین می نماید.
- متغیر «عوامل تقویت کننده» دارای بار عاملی (۰/۶۳) می باشد. به عبارت دیگر متغیر «عوامل تقویت کننده» تقریباً ۳۹ درصد (۰/۶۳) را به توان ۲ می رسانیم) از واریانس عامل «اقتصاد رسانه» را تبیین می نماید.
- متغیر «عوامل شکل دهنده» دارای بار عاملی (۰/۸۳) می باشد. به عبارت دیگر متغیر «عوامل شکل دهنده» تقریباً ۶۹ درصد (۰/۸۳) را به توان ۲ می رسانیم) از واریانس عامل «اقتصاد رسانه» را تبیین می نماید.
- متغیر «موانع شکل گیری» دارای بار عاملی (۰/۹۴) می باشد. به عبارت دیگر متغیر «موانع شکل گیری» تقریباً ۸۸ درصد (۰/۹۴) را به توان ۲ می رسانیم) از واریانس عامل «اقتصاد رسانه» را تبیین می نماید.

- متغیر «پیامدها» دارای بار عاملی (۰/۷۹) می باشد. به عبارت دیگر متغیر «پیامدها» تقریباً ۶۲ درصد (۰/۷۹) را به توان ۲ می رسانیم) از واریانس عامل «اقتصاد رسانه» را تبیین می نماید. خروجی بعدی یعنی نمودار (۲)، مدل در حالت معناداری ضرایب و پارامترهای به دست آمده مدل اندازه گیری بارهای عاملی هر یک از متغیرهای تحقیق را نشان می دهد که تمامی ضرایب به دست آمده معنادار شده اند؛ زیرا مقدار آزمون معناداری بزرگ تر از ۱/۹۶ یا کوچک تر از ۱/۹۶- نشان دهنده معناداری بودن روابط است. دو خروجی نرم افزار لیزرل (مدل در حالت تخمین استاندارد و مدل در حالت ضرایب معناداری) نشان داده شده است.

روایی همگرایی

معیار AVE نشان دهنده میانگین واریانس به اشتراک گذاشته شده بین هر سازه با شاخص های خود می باشد. به بیان ساده AVE میزان همبستگی یک سازه با شاخص های خود را نشان می دهد؛ که هر چقدر این همبستگی بیشتر باشد برازش نیز بیشتر می شود. برای بررسی روایی همگرا استفاده می شود و مقدار بحرانی آن «برابر ۰/۵ می باشد و مقدار AVE بالای ۰/۵ روایی همگرایی قابل قبول است. طریقه محاسبه: با عاملی هر سوال معیار را به توان دو می رسانیم و میانگین آن ها را می گیریم.

پایایی سازه^۱

پایایی سازه بیان می کند نتایج به دست آمده از کاربرد یک ابزار اندازه گیری تا چه حد با نظریه هایی که آزمون بر محور آن ها تدوین شده است تناسب دارد. پایایی سازه (متغیرهای مفهومی) را می توان بر اساس پایایی مرکب (CR) میزان واریانس ((AVE استخراج شده محاسبه کرد.

$$CR > 0.7$$

$$AVE >$$

همان گونه که در جدول (۲) ملاحظه می گردد، پایایی مرکب بیشتر از ۰/۷ و واریانس هر سازه بزرگ تر از ۰/۵ می باشد بنابراین همبستگی یک سازه با شاخص ها فراهم می باشد و ابزار اندازه گیری مناسب و منعکس کننده متغیر پنهان می باشد.

ارائه مدل سازگاری فرهنگی قوم لر در دهه پایانی قرن چهاردهم

جدول ۲- روایی همگرایی و پایایی مؤلفه‌ها

CR	AEV	اولویت	ضریب تعیین	بار عاملی	مؤلفه	بعد	
۰/۸۳	۰/۷۶	چهارم	۰/۶۸	۰/۷۲	۰/۸۳	هویت	عوامل محوری
		دوم	۰/۷۳		۰/۸۶	جامعه‌پذیری	
		سوم	۰/۷		۰/۸۴	شناخت	
		اول	۰/۸۶		۰/۹۳	ایدئولوژی	
۰/۸۵	۰/۷۴	دوم	۰/۶۵	۰/۶۳	۰/۸۱	رسانه‌های اجتماعی	عوامل تقویت‌کننده
		اول	۰/۷۲		۰/۸۵	اشتراکات الگویی	
		سوم	۰/۴۷		۰/۶۹	عوامل محیطی	
۰/۹	۰/۸۱	چهارم	۰/۳۲	۰/۸۳	۰/۵۷	آموزش	عوامل شکل‌دهنده
		سوم	۰/۶۵		۰/۸۱	همگرایی قومی	
		اول	۰/۷۳		۰/۸۶	خط‌مشی گذارای دولتی	
		دوم	۰/۶۸		۰/۸۳	توسعه اقتصادی	
۰/۸۸	۰/۷۹	چهارم	۰/۵۱	۰/۹۴	۰/۷۲	سیاسی گرایی	موانع شکل‌گیری
		سوم	۰/۵۷		۰/۷۶	واگرایی فرهنگی	
		اول	۰/۷۹		۰/۸۹	سنت‌گرایی	
		دوم	۰/۷۵		۰/۸۷	سو مدیریت	
۰/۹۲	۰/۸	اول	۰/۶۲	۰/۷۹	۰/۸۷	انسجام اجتماعی	پیامدها
		دوم	۰/۵۴		۰/۷۴	امنیت پایدار	

برازش مدل

شاخص‌های نیکویی برازش یک از اهداف اصلی در استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری، شناخت میزان همخوانی بین داده‌های تجربی با مدل مفهومی و نظری است. برای شناخت میزان همخوانی داده‌های تجربی و مدل مفهومی از شاخص‌ها و معیارهایی استفاده می‌شود که به آن‌ها شاخص‌های نیکویی برازش می‌گویند. در مدل اندازه‌گیری از شاخص‌های متفاوتی برای حصول اطمینان از نیکویی برازش مدل استفاده می‌شود. در جدول (۳) شاخص‌های محاسبه شده و مقدار استاندارد آورده شده است. مقایسه آن دو نشان می‌دهد که همخوانی بین داده‌های تجربی با مدل مفهومی و نظری وجود دارد.

جدول ۳- برازش مدل

شاخص‌های فرعی					شاخص اصلی		*
CFI	NFI	AGAI	GFI	PNFI	RMSEA	X ² /DF	نام شاخص
بیشتر ۰/۹	بیشتر ۰/۹	بیشتر ۰/۸	بیشتر ۰/۸	بیشتر از ۰/۵	کمتر از ۰/۰۸	کمتر از ۵	مقدار استاندارد
۰/۹۲	۰/۹۰۱	۰/۹	۰/۹۲	۰/۵۲۴	۰/۰۷۲	۲/۷۱۹	مقدار مدل

۵. نتیجه‌گیری

در کشور کهن سال ایران، به‌رغم پاره‌ای تغییر و تحولات در طول تاریخ، همواره گروه‌های متفاوتی زندگی کرده‌اند که در چارچوب جغرافیایی آن، خود را ایرانی نامیده‌اند. به کار بردن لفظ آریایی برای این مردم از سوی داریوش هخامنشی، قبایل امپراتوری را از دیگر قبایل متمایز ساخت، اما توفیق حکومت هخامنشی در ایجاد واحد سیاسی یگانه متمرکز در تمامی سطوح اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، نمی‌توانست پدیدآورنده هویتی فراگیر باشد. در واقع، آنچه موجب همبستگی میان مردم اقصی نقاط امپراتوری می‌شد، بیش از هر چیز هدف دفع دشمنان مشترک بود و در هر شکست و اشغال درازمدت سرزمین توسط بیگانگان، تمایل به دفع آن‌ها در تقویت همبستگی و رشد هویت مشترک تأثیری گذاشت. از سوی دیگر، فتوحات سرزمینی امپراتوری، با فزونی افتخار ایرانی بودن به تقویت هویت ایرانی کمک کرد. در طول تاریخ، با از میان

رفتن تدریجی تعارض‌های فرهنگی اقوام، مؤلفه‌های مشترک هویتی رشد یافتند و از حدود چند قرن پیش، زمینه‌های پدید آمدن هویت ملی را که بیش از هر چیز بر پایه دین قرار داشت، فراهم ساختند. انسان‌ها معمولاً در طیفی از جوامع گوناگون زندگی کرده و از تنوع و گوناگونی هویت‌ها برخوردارند. این ویژگی‌ها بدون اشکال و دشواری زیاد، به طور هم‌زمان حفظ شده‌اند. تنوع فرهنگی یکی از مهم‌ترین مشخصه‌های فرهنگ ایران است که همچون تیغ دولبه ای از یک سو موجب تمرین سازگاری با اقوام و مذاهب، گشودگی به نظرات، همزیستی مسالمت‌آمیز و تکامل فرهنگی شده است. کشورمان متشکل از اقوام و فرهنگ‌های مختلف با ادیان و مذاهب و زبان‌های متفاوت است و از تنوع مذهبی، قومی متعددی برخوردار است.

برای ارائه الگوی مفهومی سازگاری فرهنگی قوم لر، ابتدا مصاحبه‌های عمیقی با خبرگان استان لرستان صورت گرفت. بر اساس این مصاحبه‌ها الگوی مفهومی به دست آمده در پنج طبقه اصلی با مقوله‌های محوری (سازگاری فرهنگی اقوام ایرانی) عبارتند از: ۱- هویت قومی، بینش و شناخت، جامعه‌پذیری و مدیریت فرهنگی؛ ۲- عوامل تقویت‌کننده شامل اشتراکات الگویی، عوامل محیطی، رسانه‌های اجتماعی و مشارکت اجتماعی؛ ۳- عوامل شکل‌دهنده شامل همگرایی قومی، آموزش، خط‌مشی‌گذاری دولتی، توسعه اجتماعی و ایدئولوژی؛ ۴- موانع شکل‌گیری شامل سوءمدیریت، سیاسی‌گرایی، واگرایی فرهنگی؛ ۵- پیامدها شامل امنیت پایدار و انسجام ملی. داده‌های پژوهش در دو سطح توصیفی با استفاده از شاخص‌های آماری (نظیر فراوانی، درصد و میانگین) و سطح استنباطی تحلیل عاملی تأییدی، با استفاده از Spss 22 و Lisrel 8.54. و Excel به دست آمد. معناداری ضرایب و پارامترهای به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که ابعاد عوامل محوری (سازگاری فرهنگی اقوام ایرانی)، عوامل تقویت‌کننده، عوامل شکل‌دهنده، موانع شکل‌گیری و پیامدها با تمامی ضرایب به‌دست‌آمده، معنادار می‌باشند. درنهایت، یافته‌های حاصل از تحلیل ابعاد بیانگر آن است که از بین ابعاد مدل سازگاری فرهنگی قوم ایرانی لر، بُعد موانع شکل‌گیری با میانگین (۰/۹۴) بیشترین و بعد عوامل تقویت‌کننده با میانگین (۰/۶۳) کمترین تأثیر را در سازگاری فرهنگی اقوام ایرانی قوم لر دارند.

منابع

- خامنه‌ای، سید علی، پایگاه نشر آثار مقام معظم رهبری.
- دانایی فرد، حسن (۱۳۹۸). روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت، تهران: صفار.
- صالحی امیری، سید رضا (۱۳۸۹). منازعات قومی در ایران، تهران: دانش نگار.
- عامری گلستانی، حامد؛ اکبرزاده، فریدون؛ کیانی ده کیان، هوشنگ (۱۳۹۸). جهانی شدن ارتباطات و تأثیر آن بر تقویت هویت قوم لر و هویت ایرانی-اسلامی، فصلنامه علمی رهیافت انقلاب اسلامی، دوره سیزدهم، شماره ۴۷: ۱۷۱-۱۹۲.
- کاوسی، اسماعیل؛ ستوده، داوود (۱۳۹۶). طراحی الگوی توسعه روابط بین فرهنگی در عصر جهانی شدن، فصلنامه مطالعات میان فرهنگی، دوره دهم، شماره ۲۵: ۹۵-۱۲۵.
- Black, J. (1998). Making a city: Urbanity, vitality and urban design. Journal of Urban Design, 3: 1, 93 – 116.
- lin, R. (2005). Dictionary of urbanism. streetwise press.

